



حمایت اجتماعی و امنیت/ آیا ساکنان شهرهای مدرن احساس اجتماعی ناچیزی دارند

یکی از راه‌های مهم تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه، تقویت حمایت‌های اجتماعی است.

خبرگزاری مهر- یکی از راه‌های مهم تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه، تقویت حمایت‌های اجتماعی است.

کلین معتقد است که اگرچه عوامل گوناگونی بر ایجاد و نابودی سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارند، تنها یک دسته بزرگ آنها دارای اهمیت ویژه‌ای است و آن دسته‌ای از عوامل است که افراد را کمتر به یکدیگر وابسته می‌کند.

رفاه و فراوانی عامل مهمی در این دسته است؛ منابع رسمی حمایت در زمان نیاز (انواع گوناگون کمک دولت) عامل دیگری است. حضور این عوامل گوناگون اجازه می‌دهد، هر سرمایه اجتماعی که به وجود آمده، مستهلک گردیده و تجدید نشود.

به رغم جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی، هرچه بیشتر افراد از یکدیگر در خواست کمک کنند مقدار سرمایه اجتماعی بیشتر خواهد بود. هنگامی که به دلیل رفاه و فراوانی، کمک دولت یا عامل دیگری، افراد کمتر به یکدیگر نیاز داشته باشند، سرمایه اجتماعی کمتری ایجاد می‌شود.

نظریات مورد بحث که به تبیین احساس امنیت در میان شهروندان شهرهای بزرگ می‌پردازند، وجود احساس ناامنی و ترس را به فروپاشی و اضمحلال 171#& زوال مدنیت 171#& و 171#& اجتماع 171#& نسبت می‌دهد.

بر طبق الگوی توسعه خطی که ایده‌های تونیس، زیمل، ویرث و ردفیلد را منعکس می‌سازد، در سکونتگاه‌هایی که با جمعیت زیاد، متراکم و ناهمگون مشخص می‌شوند، ایجاب می‌کند، مردم در بیشتر مواقع با غریبه‌ها و افرادی که به آنها شبیه نیستند تماس داشته باشند.

مطالعات نشان داده‌اند که چگونه وضعیت‌های شهری که این ناشناسی را افزایش می‌دهند، می‌توانند باعث افزایش خشونت شوند. این مسئله می‌تواند منجر به افزایش آسیب‌های انسانی و نیز افزایش خطر برای کسانی که به لحاظ فیزیکی آسیب‌پذیری بیشتری دارند شود.

همچنین گمنامی و ناشناختگی می‌تواند پیچیدگی و عدم قطعیت را در روابط و مناسبات اجتماعی افزایش دهد و به عنوان محدودکننده اعتماد عمل کند. در اوضاع ناشناختگی، امکان پیش‌بینی صحیح و دقیق اعمال و کنش‌های دیگران بسیار مشکل می‌شود. این وضعیت زمانی بغرنج‌تر می‌گردد که بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمردنی نیز بر آن افزوده شود. در این وضعیت زمینه مناسبی برای بی‌اعتمادی و احساس ناامنی و ترس فراهم می‌آید، در حالی که ناشناختگی و غریبگی می‌تواند به عنوان محدودکننده اعتماد عمل کند.

نزدیکی، صمیمیت و آشنایی با دیگران که اصولاً در جامعه زمینه رشد می‌یابد، راه را برای دستیابی به اطلاعات و نمایان ساختن اعمال و رفتار آنها فراهم می‌سازد و به تبع آن، اعتماد را تقویت می‌کند.

به طور کلی در سنت گمین‌شافت تمرکز اصلی بر انسجام درونی است، یعنی همبستگی بین فرد با اجتماع سایر ساکنان در محلیت مشابه. تونیس مفهوم گمین‌شافت را (که تقریباً معنی اجتماع می‌دهد) به مفهوم نوعی تشکیلات اجتماعی به کار می‌برد که در آن افراد توسط خویشاوندی و سنت به هم پیوند خورده‌اند و دارای ارتباطی قوی هستند.

در نزد او، روستاییان توسط خویشاوندی، همسایگی و دوستی به هم پیوند می‌خورند. از این رو، گمین‌شافت توصیف‌کننده شرایطی اجتماعی است که در آن مردم، گروه نخستین را شکل می‌دهند. به عقیده او، در شهرهای مدرن دیده نمی‌شود و شهرگرایی پدیدآورنده آن چیزی است که او گزلشافت می‌نامد.

این مفهوم اخیر معنی نوعی تشکیلات اجتماعی می‌دهد که در آن مردم ارتباط اجتماعی ضعیف و منافع شخصی قابل توجهی دارند. آنچه در گزلشافت برانگیزنده مردم است، بهبود وضع همگانی نیست، بلکه نیازها و خواسته‌های شخصی است. تونیس معتقد است

که ساکنان شهرهای مدرن احساس اجتماعی و هویت جمعی ناچیزی دارند و دیگران را ابزاری برای رسیدن به اهداف خود تلقی می‌کنند.

دورکیم نیز اگرچه همچون تونیس به بررسی ویژگی‌های جوامع سنتی و مدرن می‌پردازد، اما نگاهی خوش‌بینانه به مسئله دارد. وی با اشاره به همبستگی‌های مکانیکی و ارگانیکی، به دنبال تقویت تعاملات اجتماعی افراد است. دورکیم همبستگی ارگانیکی را جایگزین همبستگی مکانیکی که مختص جوامع سنتی است و اساس آن بر احساسات اخلاقی مشترکی استوار است که اعضای جوامع ماقبل صنعتی را به هم پیوند می‌زد، می‌کند.

او معتقد است حرکت به سوی مدرنیته و صنعتی شدن یکی از دلایل اصلی کاهش همبستگی مکانیکی است، اما کاهش این همبستگی به معنی از بین رفتن جامعه نیست. در حقیقت همبستگی دیگری جایگزین آن می‌شود که دورکیم آن را همبستگی ارگانیکی می‌خواند. همبستگی ارگانیکی به این معناست که اساس پیمان‌های اجتماعی بر تخصصی استوار است که اعضای جوامع صنعتی دارا هستند.

به عبارت ساده‌تر، برخلاف جوامع سنتی که اساس همبستگی آنان بر شباهت‌ها استوار است، در جوامع صنعتی و مدرن، اساس همبستگی بر تفاوت‌ها استوار می‌شود که مردم برای برآورده کردن نیازهای خود به یکدیگر محتاج باشند.

اشکال توصیف شده مبادله از جانب نظریه‌پردازان گمین‌شافت، شبکه‌های غیررسمی را شامل می‌شوند که تعامل نزدیک با خویشاوندان، دوستان و گروه‌ها را فراهم می‌سازند. تعاملات، شبکه‌ای از روابط عمیق عاطفی را در بر می‌گیرند.

این نوع مبادله اشتراک در اطلاعات و مبادله کالا و خدمات را تقویت می‌کند. مبادله را می‌توان از طریق الگوهای ملاقات کردن، فراوانی و پراکندگی ارتباطات تلفنی میان ساکنان محلی، گردهمایی در مکان‌های محلی، عضویت در گروه‌های غیررسمی و محلی و سطح معاشرت‌پذیری میان همسایگان مورد بررسی و سنجش قرار داد.

امروزه بسیاری از محققان، تضعیف اجتماع در جهان مدرن را ناشی از چیرگی روابط ابزاری (سرد) بر روابط اظهاری (گرم) می‌دانند. کاهش اهمیت اجتماع موجب از بین رفتن سازوکارهای میانجیگری می‌شود که احساس آسیب‌پذیری فرد را در مقابل تهدیدها، تخفیف می‌دهد.

چلبی با تأکید بر نظریه نظم اجتماعی معتقد است: در صورتی که به هر دلیل روابط گرم در عرض جامعه به سردی گراید و احساس تعلق افراد به جمع سست شود، به همان نسبت نیز اعتماد اجتماعی و نظم هنجاری و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف می‌شوند. در بعد حمایت اجتماعی، کاهش چگالی و فراوانی روابط حمایتی بین گروهی را می‌توان نوعی اختلال رابطه‌ای تلقی نمود. منظور از روابط حمایتی اجتماعی، روابط و مبادلات نامتقارن گرم در شئون مختلف زندگی اجتماعی است.

بنابراین می‌توان گفت اختلال در روابط اجتماعی، افراد را در مقابل سختی‌های اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد. عدم امکان ارتباط منطقی و مشروع در سطوح جامعه منجر به احساس بی‌یاوری و عجز می‌شود که این امر زمینه مناسبی برای احساس ناامنی و ترس فراهم می‌سازد.